**مسجد پايگاه تبليغ قرآن و معارف اهل بيت**

# **مقدمه (ايجاد انگيزه)**

قال رسول الله (ص) «إنّي تارك فيكم الثقلين كتاب اللّه و عترتي لن تضلّوا ما إن تمسّكتم بهما».1 پيامبر در زمان جدائي از امت خويش پيام خداحافظي داد که بنيان اسلام با آن استوار گرديد. تعبير پاياني رسول مکرم درباره اين نکته که تمسک به ثقلين موجب عدم گمراهي است گوياي اين مسئله است که گمراهي و هدايت افراد در قبول و يا رد آن است. به نظر مي‌رسد خاستگاه اصلي جريان اصيل اسلام يعني تمسک به ثقلين تنها در مسجد موجود باشد.

# **طرح مسئله (اقناع انديشه)**

معارف قرآن بى‏پايان است. به تعبير خود قرآن «وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِ‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى‏ لِلْمُسْلِمِين‏».2 هر پند و حكمت، هر حكم و قانون، هر علم و دانش ريشه در قرآن دارد. حتى براى آگاهى از سرگذشت پيشينيان و سرنوشت آيندگان و دانش‌هاى آسمان و زمين بايد به قرآن نگريست و به كمك اهل‏بيت (عليهم السلام)، از اين منبع و گنجينه كامل بهره ‏گرفت.

بهترين راه براي بهره گرفتن از معارف و هدايت قرآني توجه به کلمات معصومين که همان راسخون در علم هستند، مي‌باشد و از صدر اسلام تا کنون مسجد بهترين نقش را در تعليم بشر در زمينه قرآن و محبت اهل بيت ايفا کرده است و افرادي که نيازمند تعليم اين معرفت الهي بودند خود را به اين کانون علمي و معنوي رسانده‌اند.

احتياج بشر به تعليم قرآن و معرفت اهل بيت در دنيا و آخرت راه‌گشاي زندگي اوست و امام صادق (عليه السلام) در اين مورد مي فرمايد: « إن في القرآن تبيان كل شي‏ء، حتى و الله ماترك ‏شيئا يحتاج ‏العباد إليه‏ إلا بينه للناس حتى لا يستطيع عبد يقول: لو كان هذا انزل في القرآن، إلا و قد أنزله الله عز و جل فيه؛‏3 خداوند در قرآن، بيان هر چيز را نازل كرده است. به خدا قسم هيچ ‏چيزى را كه بندگان به آن نيازمندند، فروگذار نكرده و براى مردم ‏بيان فرموده است».

يکي از راه‌هاي نجات مردم در مواجهه با بلا و گرفتاري پناه آوردن به دامن خدا و اهل بيت (عليهم السلام) است و براي اين منظور کافي است در جمع مؤمنانه‌اي که در مسجد شکل مي‌گيرد و در آن به عبادت و تعاليم وحياني پرداخته مي‌شود، شرکت کرده و قدم‌هايي را براي رفع گرفتاري ـ که اين تنها بخشي از راه نجات است ـ طي شود.

در آموزه‌هاي فراواني آمده که خداوند متعال قومي را عذاب نکرده مگر به واسطه گناه و کفران نعمت و يا سکوت خوبان در مقابل خطاي آن قوم. به تعبير ديگر وقتي قومي به فعل قوم خود راضي شد، انگار که با آنان در عذاب شرکت خواهد کرد و اگر آتشي در جنگل بيافتد، تر و خشک همه با هم مي سوزنند پس لازم است دوستان خدا در مساجد جمع شوند و با به کارگيري تعاليم الهي بلا را از قوم دور کنند.

امام صادق (عليه السلام) در اين باره مى‏فرمايد:

« عليكم‏ بالقرآن‏ فما وجدتم آية نجا بها من كان قبلكم فاعملوا به، و ما وجدتموه هلك من كان قبلكم فاجتنبوا؛4 برشماباد قرآن! هر آيه‏اى را كه يافتيد كه گذشتگان، با عمل به ‏محتواى آن آيه نجات يافتند، شما هم به آن عمل كنيد و هر آيه را ديديد كه بيانگر هلاكت پيشينيان است، شماهم از آن (عامل هلاكت) بپرهيزيد».

اين شيوه برخورد با آيات قرآن، سودمندترين شيوه‏اى است كه در عمل فردى و اجتماعى مسلمانان اثر مى‏گذارد. دقت کنيد که فرمان سفارش معصوم (عليه السلام) نيز در راستاي هدايت بشر است يعني؛ مؤمن مادامي که خود را با قرآن و سيره معصومين تنظيم کند همواره در مسير روشن راستي و صداقت قرار خواهد گرفت و عاقبت به خير مي‌شود. البته بسيارند آنان كه در شكل و ظاهر به قرآن مى‏پردازند و در وراى‏ جلوه‏هاى ظاهرى قرآنى، عمل به قرآن مطرح نيست. اين‌گونه برخورد تشريفاتى و مراسمى و شكلى با قرآن، در شأن كلام الهى و منشور آسمانى نيست. امام صادق (عليه السلام) در اين مورد فرموده‌اند: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ‏ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ؛5 كسى كه حافظ قرآن و عمل كننده به آن باشد، همراه با سفيران‏ والامقام و نيكوكار الهى (فرشتگان مقرب) خواهد بود». ضرورت آموختن قرآن نيز در كلام آن حضرت مطرح است. مى‏فرمايد: « يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَايَمُوتَ حَتّى‏ يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ، أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِه‏؛6 سزاوار است كه مؤمن نميرد، تا آن كه قرآن را آموخته باشد، يا در حال و مسير فراگرفتن قرآن باشد». امام صادق (عليه السلام) در مورد اهميت تعليم قرآن مى‏فرمايد: « مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَشَابٌ‏مُؤْمِنٌ‏ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَجِيزاً عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَة؛7 هرجوان مؤمنى كه قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون او در مى‏آميزد و خداوند او را با فرشتگان بزرگوار همراه مى‏سازد و قرآن روز قيامت نگهدارنده او (از دوزخ) خواهد بود».

اگر نواى خوش قرآن از مساجد و خانه‌ها به گوش برسد و صبح و شام، جوانان صاحبدل و روشن ضمير، همدم ‏كتاب خدايى‏اند و لحظات خويش را با انس با قرآن سپرى مى‏كنند، مشمول رحمت‏ خدا و هدايت قرآنى مى‏شوند. اين‌گونه مساجد و خانه‌هاي نورانى ‏از تلاوت، در آسمان‌ها تابان و فروزان است. امام صادق (عليه السلام) در مورد خانه‌هايي که در آنها قرآن تلاوت مي‌شود، مى‏فرمايد: خانه‏اى كه يك فرد مسلمان در آن قرآن تلاوت مى‏كند، براى اهل‏آسمان نورانى ديده مى‏شود، همچنان كه مردم دنيا در آسمان ستاره ‏درخشان را مى‏بينند.8

هدايت انسان‌ها به سمت رشد و ارتقا زندگي، با توجه به قرآن كريم و نيز آشنايي با سيره رسول اكرم و اهل بيت (عليه السلام) است: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»9؛ «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُون‏»؛10 «وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا».11

اهل بيت (عليه السلام) مصاديقي كامل براي تاسي و پيروي مؤمنان هستند. آنان پيشوايان الهي و برگزيده از جانب خدا هستند؛ حتي اگر مردم آنها را نشناسند و به آنها اقتدا نكنند.

خداوند پيشوايان را حجت خود بر مردم قرار داد. حجت بودن آنها به اين معناست كه ديگران نبايد پيش‌تر و تندتر از آنها حركت كنند. هيچ كس نبايد احساس كند كه پيروي از پيشوايان باعث سرافكندگي يا عقب‌ماندگي او در راه خدا خواهد شد. محبت محمّد و آل محمّد سفارشي براي هدايت عاقبت بخيري افراد ذکر شده است به گونه اي که اگر فردي با اين محبت از دنيا برود حکم شهيد را خواهد داشت. وَ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله): «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّة».12

در عرصه اسوه‌پذيري از اهل بيت (عليه السلام) هر چند به گرد پاي آنها نيز نمي‌رسيم؛ اما چنين نگرشي هرگز نبايد باعث يأس و نااميدي و ايجاد مانعي در اسوه‌پذيري از ايشان شود. اوج عروج اهل بيت (عليه السلام) رفيع‌ترين مقام انساني، همواره بايد براي اسوه‌پذيري اميدواركننده و نشاط آفرين باشد؛ چرا كه اصلي‌ترين مايه قوام و شكل‌گيري شخصيت اين بزرگواران اراده و اختيار آزاد آنان بوده است. نهايت تأثير مجموعه عوامل ديگر مانند وراثت، محيط، ‌استعداد‌هاي فطري و عوامل غيبي اين است كه شناخت‌ها و گرايش‌هاي فطري آنان را تقويت يا تضعيف كند و زمينه را براي انتخاب و اختيار آزادانه آنها ـ امامان معصوم (عليهم السلام) ـ فراهم نمايد و شكوفايي استعدادهاي فطري ايشان را سرعت بخشد.

توجه به اين نكته ضروري است كه معصومين در آن دسته از خصوصيات و ويژگي‌هايشان كه منحصر به فرد آنان مي‌باشد، الگو نمي‌باشند؛ اما در هزاران عرصه انساني با همگان مشترك‌اند. هرچند اختلاف مراتب و درجات آنان قابل انكار نيست و در همين عرصه‌هاست كه الگوي زندگي ما مي‌باشند (عرصه‌هايي چون عقل،‌ بندگي و عبادت، روابط اجتماعي، غرايز و شهوات، فطرت و...).

بهترين محيط‌هاي که مي‌تواند وراثت و استعداد را تحت تأثير قرار بدهد، مساجد و نهاد خانواده هستند؛ چرا که در اين محيط‌هاي معنوي و توحيد‌مدار به تربيت با حب محمّد و آل محمّد (عليهم السلام) رشد مي‌کنند. ولايت اهل بيت (عليهم السلام) ثقل اصغر است؛ يعنى عترت پيامبر (عليهم السلام) نيز همين‌گونه است: يعنى عترت با حقيقت قرآن يكى است. اگر چنانچه حقيقت ولايت هم در قلب كسى باشد او هم تحمل‌پذير نيست.

پيامبر و اهل بيت ما اول شخصيت‌هاي عالم هستند. حتي در روايت است که انبياء سابق را با پيامبر و ائمه ما مقايسه نکنيد. «نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ فِينَا نَزَلَ الْقُرْآنُ وَ فِينَا مَعْدِنُ الرِّسَالَة».13 اين تعبير در روايات آمده و خيلي هم عموميت دارد، نبايد هيچ کسي را کنار اينها گذاشت. جبرئيل با همه عظمت و مقامش گهواره جنبان حضرت زهراء است و مي‌گويد من خادم اين خانه هستم. امام حسين (عليه السلام) هم در روز عاشوراء مي‌فرمايد: « فَجَبْرَائِيلُ عمِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ إِنَّهُ لَخَادِمُنَا؛14 جبرئيل خادم ما اهل بيت است». در روايت هست که وقتي حضرت موسي عظمت پيامبر را ديد گفت: خدايا من را از امت اين پيامبر قرار بده.

علاقه و عشق و محبت و رابطه با اهل بيت (سلام الله عليهم) يک امر صد در صد قرآني است. «لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»15 در حريم حضرت حق عنوان روزي دارد. در کتاب خداوند به عنوان نعمت از آن ياد شده است. در قيامت هم همين محبت همين عشق و همين علاقه و همين رابطه براي باز کردن هشت در بهشت کليد است. چون در روايات ما هست که به اين‌گونه روزي‌داران در قيامت گفته مي‌شود: «ادْخُلِ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ به خواست خدا، از هر دري که مي‌خواهي وارد بهشت شو». معلوم مي‌شود، ارتباط با اهل بيت (سلام الله عليهم) آزادي مي آورد. آدم را از بردگي نجات مي‌دهد و در جنگ اکبر انسان را پيروز مي‌کند.

# **نتيجه‌گيري**

اين نشان از مقام والاي اهل بيت (عليهم السلام) است. قرآن و اهل بيت دو عدل يکديگرند و هر كدام از ديگرى جدا نخواهد شد و اين که اين محبت و معرفت اگر در انساني جمع شود او را به بهشت که آرزوي مؤمنان است مي‌کشاند و بهترين بستري که مي‌تواند اين معرفت را برايش فراهم آورد. بعد از نهاد خانواده، مسجد و مؤمنان اهل مسجد هستند.

**پي‌نوشت**

. كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج ‏1، ص 17.

2. نحل: 89.

3. البرهان في تفسير القرآن، ج 5، ص 866.

4. تفسير عياشي، ج 1، ص 15.

5. کافي، ج 2، ص 603.

6. همان، ج 4، ص 613.

7. همان، ج 2، ص 603.

8. همان، ص 610.

9. نساء: 59.

10. مائده: 55.

11. حشر: 7.

12. جامع الأخبار (للشعيري)، ص 166.

13. بحار الأنوار، ج ‏26، ص 267.

14. همان، ص 335.

15. شوري: 23.